

حمید محیب ازغندی

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دکترمهدی جلیلی<sup>۱</sup>

استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دکتر اردشیر اسدبیگی

استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

## قابسی و فلسفه اصول تعلیم و تربیت در کتاب الرسالة المفصلة

### چکیده

ابوالحسن علی بن محمد بن خلف قابسی، صاحب نظری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و صاحب رساله‌ای فقهی-کلامی به نام الرسالة المفصلة لحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین در این زمینه است. وی فراگیری علوم را به منظور حفظ دین -مذهب اهل سنت- از تحریف و تشکیل جامعه‌ای دینی، واجبی عینی برای مسلمانان دانسته، لیکن اصول و روش‌های پیشنهادی وی برای تحقق این اهداف تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر ضمن معرفی قابسی به مقایسه فلسفه، اصول و روش‌های تربیتی مورد نظر وی با آرای برخی صاحب‌نظران معاصر مسلمان به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخ و فلسفه تربیت اسلامی اختصاص یافته است. یافته‌های پژوهش حاکی از انطباق بسیاری از اصول و روش‌های مورد نظر قابسی با آرای صاحب‌نظران معاصر و امکان استفاده از آن‌ها در برنامه‌ریزی تربیتی نوین به‌ویژه جوامع اهل سنت است. این نکته نگرش خاص وی را به آموزش و پرورش و تأثیر فراوانش در تکوین و رشد آن در اسلام نشان می‌دهد. تربیت دینی، ضرورت پرداخت اجرت معلم، همگانی بودن آموزش و رعایت عدالت، اخلاق، پیوستگی و تدریج در آن مهم‌ترین اصول تربیتی مورد نظر قابسی به‌شمار می‌روند.

**واژگان کلیدی:** قابسی، الرسالة المفصلة، عدالت، آموزش همگانی، تربیت دینی.

---

<sup>۱</sup>: jalili-m@um.ac.ir

## مقدمه

صاحب‌نظران از قرن‌های گذشته برای ضرورت فرادهی و فراگیری علوم دلایل فراوانی مطرح می‌کنند و به‌منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود اصول و روش‌هایی را ارائه می‌دهند که با توجه به رویکرد آن‌ها به این مقوله و مبانی و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؛ از این رو در تعلیم و تربیت به معنای خاص آن مکتب‌های متعددی پدید آمده که هر یک در زمان و مکانی خاص مورد توجه بوده‌اند. با ظهور و گسترش اسلام، یکی از بزرگ‌ترین این مکتب‌ها ایجاد شد و صاحب‌نظران مسلمان با توجه به نحله فکری و مذهبی خود دیدگاه‌های تربیتی متنوعی ارائه کردند (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ص ۳۸؛ قطب، ۱۳۷۵، ص ۲-۴).

یکی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی ابوالحسن علی بن محمد قابسی<sup>۱</sup> ۳۲۴-۴۰۳ ق/۹۳۶-۱۰۱۲ م. مربی و فقیه مالکی سده چهارم هجری در افریقیه<sup>۲</sup> است که اندیشه‌ها و نظرات وی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. وی کتابی به‌نام *الرسالة المفصلة لحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین* نگاشته و آرای تربیتی خود را به صورت پرسش و پاسخ در آن بیان کرده است. امور آموزشی از نظر وی بیشتر به مسائل اخلاقی و دینی مانند کلام و احکام شرعی اختصاص دارد و به سن یا گروهی خاص محدود نمی‌شود. علاوه بر بحث‌های آموزشی، جنبه‌های پرورشی آرای قابسی هم اهمیت فراوان دارد؛ از نظر وی تمرین‌ها، تشویق‌ها و تنبیه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که باعث رشد شخصیت اجتماعی و پرورش روحی و عاطفی دانش‌آموز شده و او را در راه تشکیل جامعه

---

۱ قابیس نام یکی از شهرهای بسیار قدیمی در کشور تونس امروزی است که در کنار خلیجی به همین نام قرار دارد و از نظر تجاری و نظامی اهمیت بسیار داشته است. البکری، بی‌تا، ص ۱۹.

۲ جغرافیایانویسان منطقه شمال آفریقا از مغرب مصر تا سواحل اقیانوس اطلس را با تعیین مرزهایی طبیعی به سه قسمت تقسیم می‌کنند؛ بخش شرقی آن که از شرق به مصر، از غرب به رود شلف در مشرق الجزایر کنونی، از شمال به دریای مدیترانه و از جنوب به صحرای آفریقا محدود می‌شود، افریقیه نام دارد. ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۱، ۶۰.

دینی هدایت کند. وی برای تحقق کامل این هدف اصول، روش‌ها و مواد آموزشی بر مبنای مذهب مالکی پیشنهاد کرده است و مقاله حاضر باهدف بررسی و مقایسه آن‌ها با نظرات برخی صاحب‌نظران معاصر مسلمان ارائه شده است.

### پرسش پژوهش

چه نوع ارتباطی میان اصول و روش‌های آموزش و پرورش از نظر قابسی و آرای صاحب‌نظران مسلمان معاصر وجود دارد؟

فرضیه: به نظر می‌رسد اصول و روش‌های مورد نظر قابسی با آرای معاصران در بسیاری موارد تطابق دارد.

### پیشینه تحقیق

اولین پژوهش درباره قابسی توسط احمد فؤاد ال‌اهوانی استاد دانشگاه الازهر مصر در سال ۱۹۵۵ میلادی انجام شده است؛ وی رساله دکترای خود را به بیان برخی مسائل عمومی تربیت در اسلام و ذکر نظر قابسی در آن باره اختصاص داد و *الرسالة المفصلة* را نیز تصحیح و منتشر کرد. (ال‌اهوانی، ۱۹۶۸، ص ۲۶۷-۳۵۰) پس از انتشار *الرسالة المفصلة*، پژوهش‌های دیگری درباره این کتاب و آرای نویسنده آن انجام شده است؛ احمد خالد آن را به فرانسه و سلیمان آتش به ترکی برگردانده‌اند. (خالد، ۱۹۸۶، ص ۱۶۰؛ داغ، ۱۳۶۹، ص ۴۰۳) دیمه محمد محمود و صوص و سلیمان الجوارنه در مقاله خود با عنوان «من ملامح الفكر التربوي عند الاما القابسي» که در مجلد ۴۱ مجله علوم تربیتی دانشگاه اردن منتشر شده، به شرح اهداف، محدودیت‌ها و معرفی برخی تحقیقات قبلی پرداخته و تلاش کرده‌اند پس از بیان و شرح آرای تربیتی قابسی براساس کتاب‌های شمس‌الدین و ال‌اهوانی، (شمس‌الدین، ۱۴۰۵، ص ۸۰-۹۹) آن‌ها را نقد و تحلیل کنند و می‌توان گفت تا حد زیادی در کار خود موفق بوده‌اند. آنان قابسی را یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین صاحب‌نظران مسلمان در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی دانسته‌اند که آرای وی با نیازهای جامعه دینی عصرش تناسب کامل دارد. (محمد محمود و صوص و سلیمان الجوارنه، ۲۰۱۴، ص ۹۰۰-۹۱۱) علی‌نقی فقیهی در مقاله‌ای به نام «آرای تربیتی قابسی متفکر تربیتی اسلام در قرن چهارم هجری» که در شماره ۵۲ مجله تعلیم و تربیت-علوم تربیتی چاپ شده، برخی آرای این

صاحب‌نظر مشهور را طبقه‌بندی و به‌صورت کاملاً مروری شرح داده‌است. (فقیهی، ۱۳۷۶، ص ۲۵-۴۶) بنابراین مقاله حاضر کاری مستقل و با نگاهی نو به آرای تربیتی قابسی است.

## زندگی قابسی

ابو الحسن علی بن مُحَمَّد بن خَلْف مَعَاوِرَه، قروی قابسی در سال ۳۲۴ ق/ ۹۳۶ م. در یکی از شهرهای افریقیه متولد شد<sup>۱</sup> و در سال ۴۰۳ ق/ ۱۰۱۲ م. در قیروان<sup>۲</sup> درگذشت. نام پدرش علی، کنیه‌اش ابوالحسن، نام پدر وی محمد و نام جدش خلف است. همه آن‌ها در زمره دانشمندان علوم دینی زمان خود جای داشتند و با عنوان قابسی شناخته می‌شدند. (ابن احمد بن تمیم قیروانی، ۱۹۶۸، ص ۲۰۲)

قابسی از نعمت بینایی برخوردار نبود؛ اما با وجود مشکلات ناشی از آن توانست در علوم دینی مختلف تحصیل کند. منابع درباره زمان و چگونگی نابینایی وی اختلاف نظر دارند؛ برخی این مسئله را در کودکی و برخی به دوره کهن‌سالی وی مربوط می‌دانند. (کوشافر، ۱۳۶۳، ص ۱۳؛ خالد، ۱۹۸۶، ص ۱۸؛ فقیهی و دیگران، ۱۴۰/۱) می‌توان گفت مسئله ابتلای قابسی به نابینایی قبل از بیست‌وهشت‌سالگی و آغاز سفرهای علمی او اتفاق افتاده است؛ وی که تا این سن مقدمات فقه مالکی و قرآن و قرائت‌های مختلف آن را در قیروان به‌خوبی فراگرفته بود،<sup>۳</sup> در سال ۳۵۲ ق/ ۹۶۳ م. همراه با برخی شاگردان خاص و مورد

---

۱) منابع در مکان دقیق تولد این دانشمند و فقیه بزرگ اختلاف دارند و القاب نسبی او هم به همین سبب گوناگون ذکر شده است. اصالت وی به شهر قابس یا یکی از روستاهای اطراف آنجا به نام معافر باز می‌گردد و به احتمال فراوان خانواده وی در اوایل سده چهارم یا کمی قبل از آن به قیروان مهاجرت کرده‌اند و او در همان جا تولد و رشد یافته و به دلیل عنوان خانوادگی به قابسی مشهور شده است. شاید هم در کودکی تحت سرپرستی عمویش مشهور به قابسی قرار داشته و بدین سبب به این نسبت شهرت یافته است. ر.ک. ذهبی ۱۳۷۴، ۱۰۷۹/۳؛ ابن خلکان، ۱۹۷۰، ۳۲۰/۳؛ المرزوقی، ۱۹۶۲، ص ۲۴۶؛ ابن موسی السبئی، (قاضی عیاذ) ۱۹۶۷، ۶۲۲/۴.

۲) نام شهری در افریقیه که در سال ۵۰ هجری توسط مسلمانان بنیاد گردید و تا چندین قرن مرکز اداری و سیاسی این منطقه بود. مونس، ۱۳۸۴، ۱، ۷۸.

۳) در این باره ر.ک. معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷ تا ۱۵۴.

اعتماد خود به مکه رفت و در آنجا صحیح بخاری را آموخت.<sup>۱</sup> سپس به مصر سفر کرد و در آنجا حدود پنج سال به فراگیری علوم دینی مختلف به‌ویژه اصول، حدیث و علوم وابسته به آن<sup>۲</sup> کلام و فقه مالکی پرداخت تا در همه آن‌ها به کمال رسید. وی با پایان تحصیل در مصر و دریافت اجازه تدریس از برخی استادان، در سال ۳۵۷ ق/ ۹۶۸ م. به قیروان بازگشت و به تدریس و تألیف مشغول شد. (ابن خلکان، ۱۹۷۰، ۳۲۱/۳؛ ابن فرحون مالکی، ۱۳۹۴، ۱۰۱/۲)

قابسی حدود ۱۸ رساله و کتاب در بسیاری از علوم دینی زمان خود، مانند کلام، حدیث، فقه و مسائل عرفانی نوشته است؛<sup>۳</sup> اما از میان این آثار فقط دو کتاب *الملخص الموطأ* - بررسی اسناد احادیث الموطأ امام مالک- و *الرسالة المفصلة لحوال المعلمین و الاحکام المعلمین و المتعلمین* باقی مانده است. (بروکلمن، بی‌تا، ۲۱۷/۳-۲۷۹)

شهرت علمی و محبوبیت اجتماعی قابسی که در پی مهارت در علوم دینی، استفاده از محضر دانشمندان مشهور، حفظ و تسلط کامل بر قرائت‌های مختلف قرآن، نگارش آثار مختلف پرهیزگاری و زهد و تقوی بسیار حاصل شده بود، زمینه سفر و مهاجرت تعداد زیادی از طالبان علم برای استفاده از جلسات درس و بحث وی به قیروان و ملقب شدنش به مهم‌ترین و ارزشمندترین لقب‌های علمی مانند امام، فقیه، محدث، حافظ شیخ و علامه را فراهم ساخت. (ابن بشکوال، ۱۱۳۷۴، ۱۵۶-۱۵۷؛ سیوطی، ۱۹۹۶، ص ۴۳۷؛ الصفدی، ۱۳۲۹-۱۹۱۱، ص ۲۱۷؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱، ۸۵/۳)

*الرسالة المفصلة* عنوان تنها کتاب تربیتی باقی مانده از قابسی است که با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ایرادهای یکی از مردم منطقه در سه باب نوشته شده است.

---

۱ کار اصلی این شاگردان ثبت و ضبط و نگارش دقیق گفته‌های قابسی و خواندن مجدد آن برای وی بود؛ به‌عنوان نمونه صحیح بخاری را یکی از آن‌ها به نام ابو محمد اصیلی برای وی نگاشت. ر.ک. ذهبی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۷۹.۳

۲ علوم‌ی مانند علل، مصطلح رجال و ... در این باره ر.ک. مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲: ص ۱۳۵.

۳ آثاری که نویسندگان به قابسی نسبت داده‌اند اختلاف دارد و همچنین علائم نگارشی به‌کار رفته در نگارش یا تصحیح این منابع باعث شده که گاه یک اثر به‌عنوان دو کتاب و یا دو کتاب به‌عنوان یک اثر معرفی شود. ر.ک. ابن فرحون مالکی، ۱۰۲/۲.

(قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۶۸) باب اول به تبیین پنج مفهوم اصلی ایمان، اسلام، احسان، استقامت و صلاح و ذکر برخی احکام درباره چگونگی نگاهداری و قرائت قرآن اختصاص دارد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۶۸-۲۹۰) در باب دوم به شرح وظایف خانواده نسبت به آموزش فرزندان، چگونگی انتخاب و شرایط علمی و اخلاقی معلم و تبیین ضرورت پرداخت اجرت به وی، برنامه هفتگی و تعیین مواد برای آموزش پرداخته شده است. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۱-۳۲۰) باب سوم به بیان مطالبی درباره مکان آموزش و احکام آن، وظایف معلم، میزان هدیه اعیاد، چگونگی ارتباط میان والدین با فرزندان و فرزندان با خانواده و مطالبی درباره انواع قرائت‌های قرآن و یادی از قاریان هفت‌گانه اختصاص دارد (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۲۰-۳۵۰).

هم‌زمان با دوره حیات قابسی، حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی در افریقایه رخ داد:

فاطمیان که در زمره امامان اسماعیلی هستند و نسب خود را به امام جعفر صادق می‌رسانند ( شهرستانی، ۱۳۶۱، ۲۵۹/۱-۲۷۱) در اواخر قرن سوم هجری با اتکا به فعالیت‌های تبلیغی و نظامی داعی مشهور خود ابو عبدالله شیعی توانستند خلافت شیعی را در افریقایه تأسیس کنند. مهم‌ترین برنامه آنان بعد از تشکیل حکومت، متمایل کردن مردم به مذهب اسماعیلیه به روش‌های مختلف از جمله درپیش گرفتن سیاست قهر و قتل فقیهان مالکی، تعلیم و تربیت، نگارش کتاب‌های فقهی و کلامی مطابق با مذهب خود و... بود (عثمان الحجازی، ۱۹۹۷، ص ۳۱۰؛ فضلی و خضری، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۴۰؛ موسوی و ذیلایی، ۱۳۸۹، ص ۷۵-۷۷). آنان پس از ۶۵ سال حکومت پر فراز و نشیب، در سال ۳۶۲ ق/ ۹۷۲ م. به مصر مهاجرت کرده و اداره افریقایه را ضمن شروطی به یکی از سرداران خود به نام بلکین بن زیری بن مناد صنهاجی سپردند (ابن اثیر، ۱۹۷۹، ۵۹۰/۸). امیران بنی‌زیری تا اوایل قرن پنجم - حداقل در ظاهر- پیرو خلافت فاطمی بودند و بسیاری از آداب و رسوم شیعی مانند بزرگداشت اول و نیمه ماه‌های رجب و شعبان، استقبال از حلول ماه رمضان، بزرگداشت عید غدیر و عزاداری عاشورا را در افریقایه اجرا می‌کردند و شیعیان در حکومت آن‌ها از آزادی فراوان و محله‌های خاص برخوردار بودند (خضیری، ۱۹۹۶، ص ۱۹۳ تا ۱۹۶ و ۲۷۱ تا ۲۷۷).

## فلسفه و ضرورت تعلیم و تربیت از نظر قابسی

چنان‌که گذشت، قابسی در جامعه خود به‌عنوان یک دانشمند علوم دینی شناخته می‌شد؛ از این رو برای ضرورت بهره‌مندی افراد از آموزش و پرورش دلایلی دینی ذکر کرده است. وی رشد و پیشرفت جامعه را به این امر وابسته می‌داند. به نظر وی هر انسان توانایی‌های بالقوه بسیاری دارد که عوامل فراوانی مانند خانواده، محیط مدرسه و معلم و هم‌سالان در شکل‌گیری، شکوفایی، رشد و بروز آن‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. وی باید این استعدادها را شناخته، به‌خوبی شکوفا سازد و در راه رشد و پیشرفت خود و جامعه به‌کار گیرد. اگر شرایط روانی و مادی و محیط خانوادگی و اجتماعی آماده باشد و والدین وظایف خود را نسبت به فرزندانشان به‌طور کامل انجام دهند، این استعدادها به‌درستی و در جای خود ظاهر شده و فرد می‌تواند به‌مراتب بسیار بالای دینی و علمی دست یابد و صاحب امتیازات فراوانی شود؛ در این صورت فرد برای جامعه مفید واقع خواهد شد و در رشد و تعالی آن نقش بسزایی ایفا خواهد کرد (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۳). دلیل دیگر وی حفظ دین الهی از دگرگونی و فراموشی است و به عقیده وی همه مسلمانان به‌ویژه حاکمان و ثروتمندان در این زمینه مسئولیت دارند. وی در پی این فلسفه، آموزش اصول، مبانی و امور مختلف دینی به تمامی افراد جامعه را بهترین راه تحقق اهداف ذکر شده می‌داند که باید از دوره کودکی و در خانواده آغاز و در مکتب تکمیل شود. به‌همین سبب آموزش و علوم مختلف آموزشی را به سه نوع اجباری، اختیاری و غیر جایز تقسیم کرده و علوم دینی مانند حفظ، نگارش و آشنایی با قرائت قرآن، نمازهای واجب و مستحب و مقدمات آن‌ها را در گروه مواد آموزشی واجب و فراگیری آن‌ها را امری اجباری دانسته است. آموختن مواد دیگر مانند صرف و نحو، لغت و حساب هم به سبب ارتباط با مسائل دینی و فراهم کردن شرایط فراگیری بهتر آن‌ها جایز و اختیاری و آموزش دانش‌هایی مانند سحر، جادو و طالع‌بینی حرام هستند (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۰۵-۳۰۸؛ محمد محمود و صوص، ۲۰۱۴، ص ۹۰۲). به نظر وی تناسب تمامی روش‌ها و اصول آموزشی با سن، جنس و وضعیت ذهنی فراگیران امری ضروری و در تحریک انگیزه‌ها و گرایش آنان به علم‌آموزی بسیار تأثیرگذار است؛ از این رو معتقد است فراگیری دانش به‌ویژه مسائل دینی به کودکان محدود نمی‌شود و یکی از

واجبات عینی هر مسلمان است. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۶-۲۹۷) در پی فراگیری و انجام احکام مختلف دینی توسط مسلمانان دین الهی از تحریف و نابودی حفظ و جامعه‌های دینی و مبتنی بر برابری و برادری و رعایت حقوق متقابل شکل خواهد گرفت (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۳؛ فقیهی، ۱۳۷۶، ص ۳۲)

### اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در رساله قابسی

قابسی در پی این فلسفه دینی، با بهره‌مندی از قرآن، احادیث نقل شده از پیامبر و برخی صحابه و سیره امام مالک اصول و روش‌هایی تربیتی پیشنهاد کرده که در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

#### ۱- تربیت دینی

جامعه افریقیه و به‌ویژه قیروان در سده چهارم هجری جامعه‌ای کاملاً دینی بود که پیروان ادیان و مذاهب مختلف در آنجا زندگی می‌کردند. قابسی معتقد است تمامی اهداف، رفتارها و مواد آموزشی باید بر مبنای اسلام و به‌گونه‌ای باشد که فرد یک مسلمان کامل تربیت شود. روش‌های زیر برای این اصل از رساله تربیتی وی قابل استنباط است:

الف: عدم ارتباط با پیروان ادیان دیگر: قابسی موضوع ارتباط و زندگی با غیرمسلمانان را در دو بعد فقهی و اخلاقی بررسی کرده است. وی از نظر فقهی معتقد است نباید هیچ‌گونه ارتباطی به‌ویژه در امور آموزشی در دوران کودکی میان مسلمانان با پیروان سایر ادیان وجود داشته باشد؛ زیرا ممکن است در این ارتباطها غیرمسلمانها بر کودکان مسلمان تأثیرات منفی گذاشته و در اعتقادات و باورهای دینی آنها خلل و ابهام ایجاد کنند. وی برای تأکید بیشتر این نکته احکامی وضع کرده است.<sup>۱</sup> (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۲۸) اما از بعد اخلاقی قائل به آموزش غیرمسلمانان با رعایت برخی شرایط است. (ن.ک. ادامه مقاله)

---

۱ شرح وضع کرده است: خانواده‌های مسلمان باید از این امر به‌شدت جلوگیری کنند. مسلمانان هم نباید فرزندان خود را به مکتب‌های ادیان دیگر و معلم غیرمسلمان بسپارند. معلم مسلمان اجازه ندارد در مکتب کودک مسیحی یا یهودی بپذیرد و او را همراه با کودکان مسلمان آموزش دهد. وی همچنین اجازه ندارد هدیه و پاداش مسلمانان در روزهای جشن و شادی مسیحیان یا یهودیان را بپذیرد و باید به



آرای قابسی درباره ارتباط آموزشی مسلمانان با پیروان سایر ادیان قدری متعصبانه به نظر می‌رسد؛ همان‌گونه که کودکان غیرمسلمان ممکن است بر فرزندان مسلمانان تأثیر منفی بگذارند، ممکن است این ارتباطها باعث گرایش غیرمسلمانان به اسلام شود.

ب: عبادت: روش دیگر آشنایی کودکان با امور دینی به‌ویژه مسائل عبادی است. عبادت به افراد بالغ محدود نمی‌شود، بلکه افراد باید از دوره کودکی و در محیط خانواده با مسائل عبادی مانند قرائت قرآن به‌ویژه سوره‌ها و آیات مربوط به نماز آشنا شوند. زمانی هم که کودک به سن مناسب رسید -حدود شش هفت سال- باید برای فراگیری علوم دینی بیشتر به مکتب فرستاده‌شود. مواد آموزشی در این مکان باید به‌گونه‌ای باشد که کودک به تدریج در مسیر تشکیل جامعه‌ای دینی هدایت شود. معلم در این باره وظیفه دارد شیوه صحیح وضو گرفتن، خواندن انواع نمازهای واجب مانند روزانه و آیات و مستحبی مثل باران، خواندن دعا برای درگذشتگان و طلب آمرزش برای آنها را به کودکان آموزش دهد (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۰۴).

ج: عادت دادن: یکی دیگر از روش‌های موردنظر قابسی عادت دادن افراد از دوران کودکی به انجام برخی امور دینی است. در نظر وی فطرت پاک و صاف انسان در بدو تولد به‌وسیله آنچه وی فرا می‌گیرد، تیره شده یا همان‌گونه روشن باقی می‌ماند. اگر فرد با آموزه‌های اسلامی خو گرفته و آنها را انجام دهد، فطرت وی همچنان به‌صورت زمان آفرینش خواهد بود. به‌همین سبب قابسی معتقد است آموزش باید از دوران کودکی و در محیط خانواده آغاز شود و وظایف خانواده به‌ویژه پدر را در این باره خاطر نشان می‌کند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۲) همین امر در دوره حضور فرد در مکتب ادامه می‌یابد و معلم وظیفه دارد دانش‌آموز را با مسائل دینی و به‌خصوص واجبات آن آشنا ساخته و آشنایی او در محیط خانواده را تکمیل کند. مهم‌ترین مسئله در این باره آموزش قرآن و حفظ آن و واجبات

---

هدیه‌دهندگان یادآور شود که این کار آنها بزرگداشت اعیاد کافران است. مسلمانان هم نباید در روزهای عید غیر اسلامی به معلم‌های خود عیدی یا پاداش دهند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۲۹)

دینی است. با محقق شدن این آموزش‌ها، فرد با آن عادت می‌کند و در بزرگسالی به همان روش زندگی خواهد کرد؛ در این صورت گامی بسیار مهم در راستای رسیدن به هدف اصلی یعنی تشکیل جامعه دینی برداشته خواهد شد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۷۰-۲۸۷).

برخی نویسندگان معاصر هم تلاش می‌کنند تمامی مسائل زندگی به‌ویژه حوزه تعلیم و تربیت را از طریق منابع دینی تبیین و شرح دهند و به‌همین منظور مراسم و همایش‌های فراوانی برگزار و کتاب‌های متعددی در این باره نوشته شده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این آثار کتاب *روش تربیتی/اسلام* اثر سید محمد قطب است. (کیلانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴؛ قطب، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵-۲۲۸).

## ۲-اخلاق

قابسی به‌عنوان فقیه خبره و صاحب‌نظر تربیتی اخلاق را یکی از اصول بسیار مهم در تعلیم و تربیت دانسته و رعایت هر دو جنبه نظری<sup>۱</sup> و عملی آن را به افراد توصیه کرده است. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۶۸) می‌توان پنج روش زیر را برای این اصل پیشنهاد کرد:

الف: اطاعت و احترام به پدر و مادر: وی اولین روش برای تحقق اصل اخلاق را رعایت حقوق والدین از طرف فرزندان می‌داند و آن را در دو بحث اطاعت و احترام به آن‌ها شرح داده است. بر اساس آیات مورد نظر قابسی، فرزندان در تمامی امور و شرایط، جز شرک ورزیدن به خداوند و مسائل دینی باید از والدین خود اطاعت کنند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب باید گفت این امر مشروط است نه مطلق. وی در ادامه لزوم احترام فرزندان به پدر و مادر را با استفاده از آیات دیگری<sup>۳</sup> خاطر نشان کرده است که می‌توان آن‌ها را در این موارد خلاصه کرد:

خودداری از ایجاد و اظهار هرگونه آزرده‌نگی نسبت به پدر و مادر، محبت و دلسوزی در عالی‌ترین و بالاترین حد خود نسبت به آن‌ها، عدم رفتار خشونت‌آمیز و حفظ جایگاه آن‌ها در کلام و طلب آمرزش در زمان حیات و بعد از مرگ برای آن‌ها. اگر فرزند در رعایت

---

۱ شامل توحید، نبوت، معاد و مفاهیمی مانند ایمان و احسان. ر.ک. قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۵۵-۲۷۷.  
۲ آیات ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان.  
۳ آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء.

احترام پدر و مادر کوتاهی کند، ممکن است دچار عاق والدین شود که یکی از گناهان کبیره و بزرگ‌ترین رذیلت‌های اخلاقی محسوب می‌شود. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۶)

به نظر می‌رسد آرای برخی نویسندگان معاصر هم که در حوزه مسائل اخلاقی اسلام آثاری نگاشته‌اند با دیدگاه قابسی در باره رعایت حقوق والدین از طرف فرزندان شباهت کامل دارد؛ سید محمدباقر حجتی عبارت‌های قابسی را با تغییرات اندکی در ساختار جملات بیان و برای تأکید بیشتر نظر خود چند حدیث از پیامبر را ذکر کرده است. (حجتی، ۱۳۶۶، ص ۵۲)

ب: رعایت حقوق فرزندان از طرف والدین: قابسی معتقد است والدین هم نسبت به فرزندان خود حقوق فراوانی دارند. آموزش برخی امور دینی مانند وضو و نماز و حفظ برخی سوره‌های موردنیاز در نماز و رعایت برخی مسائل اخلاقی یکی از آنها است. مورد دیگر فراهم کردن شرایط تحصیل برای فرزندان به‌ویژه از نظر مادی است. پدر وظیفه دارد هزینه تحصیل فرزندان خود را فراهم کند؛ زیرا این هزینه هم مانند مخارج دیگر زندگی در امور نفقه قرار می‌گیرد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۳). ابراشی نیز معتقد است مهم‌ترین و پایدارترین آموزش‌ها در خانواده و توسط والدین و به‌خصوص پدر انجام می‌گیرد. فرزند به‌طور کامل از رفتار و گفتار اعضای خانواده به‌ویژه والدین خود تأثیر فراوان می‌پذیرد و بر اساس آن رشد و پرورش می‌یابد. وی ضمن یادآوری این نکته، برخی حقوق فرزندان را در قالب یک برنامه تربیتی با استناد به روایتی از پیامبر ذکر کرده است<sup>۱</sup> (الابراشی، ۱۹۷۵: ۴۹)

ج: رفتار معلم: قابسی و دیگر فقیهان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت اسلامی شرط‌ها و وظایف علمی و اخلاقی برای دستیابی به شغل آموزگاری کودکان را به‌طور دقیق معین کرده‌اند. از نظر قابسی یک معلم مکتب باید در نگارش و قرائت قرآن به‌ویژه قرائت

---

۱فرزند باید در روز هفتم عقیقه شود و برای او نامی انتخاب گردد و او باید از اذیت شدن دور باشد. در شش سالگی ادب شود و در هفت سالگی جای خواب آنها از یکدیگر جدا شود. هنگامی که به سیزده سالگی رسید برای خواندن نماز و گرفتن روزه می‌توانید آنها را بزنید و هنگامی که شانزده ساله شد او را تزویج کنید.

نافع<sup>۱</sup> مهارت کامل و به مواد آموزشی غیرضروری مانند صرف، نحو و لغت و حساب هم آشنایی داشته باشد تا بتواند نیازهای علمی دانش‌آموزان را برطرف سازد. (قابسی، ۱۹۶۸: ۳۰۴) وی مربی دانش‌آموزان نیز هست و باید در مکتب و خارج از آن به‌گونه‌ای رفتار کند که سایر دانش‌آموزان او را به‌عنوان سرمشقی مورد اعتماد و قابل قبول در نظرگیرند؛ وی باید فردی متعهد و وفادار باشد و تمام مفاد قرارداد اجاره را به‌طور کامل رعایت کند. همچنین باید در مقابل اشتباهات دانش‌آموزان صبور و نسبت به آن‌ها دلسوز و خیرخواه و برای جنبه‌های مختلف زندگی‌شان راهنمایی کامل باشد. (قابسی، ۱۹۶۸: ۳۱۴)

د: پذیرش اقساطی اجرت توسط معلم: اگر والدین کودک توانایی مالی کافی برای پرداخت تمامی اجرت معلم را در یک‌زمان نداشته باشند، با وی توافق می‌کنند که این کار را در مدت‌زمانی مشخص به‌صورت هفتگی، ماهانه یا سالانه انجام دهند. همچنین اگر خانواده‌ای نتواند این اجرت را به‌صورت نقد بپردازد، معلم می‌تواند آن را به‌صورت کالا مانند گوسفند یا بز یا خدمتی ضمانت شده دریافت کند. بهتر است معلم افراد بی‌بضاعت و فقیر را به‌صورت داوطلبانه و رایگان آموزش دهد و در هیچ‌زمانی از آن‌ها انتظار پرداخت اجرت نداشته باشد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۲، همچنین ن.ک. ادامه مقاله)

ه: رعایت حقوق زن و شوهر: یکی دیگر از نکات اخلاقی و بسیار مهم در رساله قابسی تأکید بر رعایت حقوق متقابل زن و شوهر با استفاده از آیه‌ای از قرآن<sup>۲</sup> است. زن موظف است از همسر خود تبعیت کند و مرد هم وظیفه تأمین تمامی معاش وی را دارد. اگر زن از این امر سرپیچی کرد، مرد می‌تواند او را در چند مرحله تنبیه کند. وی در انجام این کار باید مراحل معین‌شده در شرع -به‌ویژه مرحله آخر که تنبیه بدنی است- مسائل اخلاقی را به‌طور کامل رعایت کرده و از حدود شرعی تجاوز نکند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۵)

---

۱) نافع بن عبد الرحمن لیثی د. ۱۶۹ هجری، پیشوای قاریان مدینه که قرائت وی تا عصر حاضر در برخی کشورهای مسلمان آفریقا رایج است. ر.ک. معرفت، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹.

۲) آیه ۲۴ سوره نساء.

### ۳- همگانی بودن تعلیم و تربیت

قابسی مانند مالک بن انس و فقیهان پیش از خود معتقد است آموزش و پرورش فقط به گروهی خاص اختصاص ندارد، بلکه همه افراد جامعه بدون در نظر گرفتن سن، جنس، دین و مذهب باید از آن برخوردار باشند؛ برای این اصل دو روش پیشنهاد می‌شود:

الف: آموزش بانوان: به اعتقاد قابسی خانواده نباید در بهره‌مندی فرزندان خود از آموزش اختلاف و تمیزی قائل شود و باید شرایط این کار را برای همه آن‌ها به‌طور یکسان فراهم کند. به نظر وی بانوان جایگاه والایی در خانواده دارند و در رشد و پیشرفت جامعه اسلامی نقشی بسزا ایفا می‌کنند؛ از این رو برخورداری آنان از آموزش امری ضروری است؛ اما باید تفاوت‌های اندکی میان مواد آموزشی آن‌ها با مردان وجود داشته باشد، مثلاً آموزش خط و نوشتن برای دخترها جایز نیست (قابسی، ۱۹۶۸، صص ۲۹۶، ۲۹۲، ۲۹۱؛ حلاوی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۸).

مسأله جواز یا عدم جواز آموزش بانوان موضوع بسیاری از مباحث فقهی قرار گرفته و نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را به دو نوع تقسیم کرد: برخی با این کار مخالف و برخی دیگر مانند قابسی ضمن رعایت شروطی با آن موافق‌اند. با تنظیم قوانین اجتماعی و فراگیر شدن رسانه‌ها در عصر حاضر، آموزش زنان امری عادی تلقی می‌شود. (منیر مرسی، ۱۹۹۳، صص ۲۴۳ تا ۲۴۹).

ب: آموزش غیرمسلمانان: قابسی از نظر اخلاقی معتقد است غیر مسلمانانی که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کنند هم مانند مسلمانان باید از نعمت آموزش بهره‌مند باشند. آنان باید مکتب و مدرسه خاص و معلمی از هم‌کیشان خود داشته باشند و مسائل موردنیازشان را از وی فراگیرند. مسلمان‌ها به دلیل رعایت مسائل شرعی نمی‌توانند با پیروان ادیان دیگر در یک مکان یا از معلم غیر مسلمان علم بیاموزند. (قابسی، ۱۹۶۸، صص ۳۰۸-۳۰۹).

### ۴- پرداخت اجرت به معلمان

یکی از مسائل بسیار مهم در تعلیم و تربیت اسلامی، پرداخت اجرت معلم است که از قرون نخستین میان فقها و صاحب‌نظران مطرح بوده است. برخی با آن موافق و برخی مخالف هستند و هر یک برای تأیید دیدگاه خود شواهدی از سنت پیامبر (ص) را ذکر می‌کنند. به‌طور کلی پیروان ابوحنیفه در قرون اولیه با پرداخت اجرت معلم مخالف بودند و

اعتقاد داشتند که وی باید این کار را برای رضای خداوند انجام دهد. (عبدالدایم، بیتا، ص ۱۶۸) در مذهب شافعی هم نظرات مختلفی در این باره وجود دارد؛ اما با تأسیس مدارس نظامیه و اختصاص موقوفه‌های فراوان و برقراری **راتبه** کافی برای استادان آنجا این مسئله امری عادی شد. (کسای، ۱۳۶۳، ص ۲۸۶) می‌توان گفت میان فقیهان مالکی اختلاف نظر خاصی درباره اخذ یا پرداخت اجرت معلم وجود ندارد و تمامی آن‌ها با این موضوع موافق‌اند. به اعتقاد امام مالک هیچ اشکالی برای دریافت اجرت توسط معلم‌ها وجود ندارد و آن‌ها می‌توانند برای تدریس قرآن دستمزد گرفته و حتی برای آن شرط‌هایی معین کنند (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۷).

قابسی هم پرداخت اجرت معلم‌ها را جایز دانسته و برای این نظر خود دلایلی عقلی و روایت‌هایی از پیامبر (ص) را نقل کرده است. به اعتقاد وی بسیار بعید است که کسی حاضر باشد فرزندان مسلمانان را به صورت داوطلبانه و رایگان آموزش دهد و مسلمانان باید برای این کار فردی با شرایط مناسب را برگزیده و دستمزد کافی برایش در نظر گیرند؛ زیرا او وقت خود را به تربیت فرزندان آن‌ها اختصاص داده و به آن مشغول می‌شود. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۷ و ۲۹۸) برای این اصل یک روش کلی می‌توان در نظر گرفت:

الف: تنظیم قرارداد اجاره: به نظر قابسی پدر وظیفه دارد هنگامی که فرزندش به سن درک و فهم برسد و قدری مستقل شود برای وی معلمی اجیر کرده تا به او قرآن و دیگر مواد آموزشی را بیاموزد. روش این کار بدین صورت است که میان پدر کودک یا کسی که او را سرپرستی می‌کند با معلمی که به نظر وی برای آموزش فرزندش مناسب است، قراردادی تنظیم می‌شود و تمامی موارد از جمله میزان دستمزد و چگونگی و زمان پرداخت آن، مواد آموزشی مثل قرآن حساب یا شعر و نحو یا لغت در آن قید می‌شود. معلم از زمان تنظیم قرارداد اجیر پدر یا سرپرست دانش‌آموز است و باید بر اساس قرارداد تنظیم شده عمل کند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۹۴).

##### ۵- تنبیه

فقیهان و صاحب نظران تربیتی مسلمان موضوع تنبیه دانش‌آموزان را مورد توجه و بررسی قرار داده و نظرات مختلفی در این باره ارائه کرده‌اند. به طور کلی فقیهان مالکی مانند قابسی در

استفاده از تنبیه برای تربیت شاگردان موافقت دارند؛ اما آن را به‌عنوان آخرین راه پذیرفته‌اند. قابسی معتقد است که معلم باید با دانش‌آموزان ارتباط عاطفی و هدفمند برقرار ساخته، به‌گونه‌ای که باعث تمایل و تشویق آن‌ها برای رفتن به مکتب و تحصیل شود و جز در برخی موارد ضروری و اجتناب‌ناپذیر از تنبیه استفاده نکند. وی برای این کار هم ضوابط و شرایطی معین کرده که معلم نمی‌تواند از آن‌ها تجاوز کند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۴-۳۱۵) تنبیه باید برای اصلاح رفتار فرد خطاکار و آگاه کردن وی از اشتباهات و جلوگیری از انجام آن‌ها باشد و باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش تأثیرات مثبتی به‌دنبال داشته باشد. همچنین این کار نباید باعث ریختن آبرو و ایجاد ترس و ناامیدی او از ادامه تحصیل شود. تنبیه باید متناسب با سن و جسم دانش‌آموز و مطابق با حدود معین‌شده در شرع صورت گیرد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۲-۳۴۴) معلم نمی‌تواند برای آرامش خود دانش‌آموزان را تنبیه کند، بلکه باید برای این کار دلیلی داشته باشد. مهم‌ترین عوامل ایجادکننده تنبیه به این شرح است: حفظ نکردن قرآن و تنبلی و سستی در نگارش، خوش‌نویسی و قرائت و هجی کردن و اعراب‌گذاری آن، به بطالت گذراندن وقت و انجام ندادن تکالیف موردنظر معلم، تأخیر، غیبت غیرموجه، فرار از مکتب و بازیگوشی و آزار و اذیت دیگر دانش‌آموزان، به‌گونه‌ای که موجب بازماندن آن‌ها از تحصیل و شکایت نزد معلم شود. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۴-۳۱۵). برای این اصل دو روش زیر پیشنهاد می‌شود:

**الف: تنبیه غیر بدنی:** این نوع تنبیه جنبه کلامی و غیر فیزیکی دارد و هنگامی معلم می‌تواند از آن استفاده کند که شرایط آن توسط دانش‌آموز ایجادشده باشد. در مرحله اول معلم فقط به‌صورت ظاهر کردن ناراحتی و عصبانیت در چهره خود به فرد خطاکار هشدار می‌دهد. در مرحله بعد معلم باید او را از هم‌کلاسی‌هایش جدا کرده و به‌تنهایی مورد عتاب قرار دهد و قدری با او تند سخن بگوید. اگر دانش‌آموز باز هم اشتباهات خود را انجام داد معلم او را در مکتب و در مقابل هم‌کلاسی‌هایش مورد عتاب قرار داده و با او به‌تندی رفتار می‌کند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۴)

**ب: تنبیه بدنی:** ممکن است دانش‌آموز به‌سبب کم‌تجربگی، لجاجت یا نمایش قدرت خود در سنین نوجوانی معلم و تنبیه‌های کلامی را جدی نگیرد یا رفتار خود معلم باعث

چنین عملی از سوی وی شود. مثل اینکه همیشه با دانش‌آموزان شوخی و مزاح کند و باعث شود که جنبه رسمی شخصیت وی از نگاه آن‌ها پنهان بماند؛ در این صورت معلم مجاز است ضمن رعایت شرط‌هایی به‌ناچار و به‌عنوان آخرین راه ممکن از تنبیه بدنی استفاده کند (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۵) وی هنگام زدن دانش‌آموز نباید خشمگین باشد؛ زیرا ممکن است برای آرامش خود او را بزند یا تعداد و شدت ضربه‌ها از حد مجاز بیشتر شود؛ وی برای این کار نمی‌تواند از هر وسیله‌ای مانند چوب‌دستی یا تخته و ابزار مشابه استفاده کند بلکه این کار باید با ترکیب نازک و مرطوب انجام شود. معلم نمی‌تواند به سروصورت دانش‌آموز ضربه بزند؛ زیرا این اعضا نسبت به ضربات خارجی آسیب‌پذیرترند و ممکن است تأثیرات نامطلوب مانند شکستن بینی، نابینایی یا ایجاد مشکل در چهره فرد را به‌دنبال داشته باشد. زدن بر پاها مجاز است که تحمل بیشتری دارند. تنبیه بدنی فرد خطاکار باید در مکتب و در حضور همکلاسی‌هایش انجام گیرد تا برای آن‌ها هم عبرت‌آموز باشد و انجام این کار در مکان‌های دیگر جایز نیست. فقط خود معلم می‌تواند این کار را انجام دهد و نباید آن را به دانش‌آموز دیگری واگذار کند؛ زیرا در این حالت ممکن است دانش‌آموز ضارب به فرد خطاکار آسیب بزند که در این صورت معلم باید نسبت به کار انجام‌شده در برابر والدین دانش‌آموز مورد تنبیه پاسخ‌گو باشد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ محمد، محمود و صوص و سلیمان الجوارنه، ۲۰۱۴، ص ۹۰۶)

تنبیه یکی از اصول مهم تربیتی محسوب می‌شود که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است و آیاتی درباره کیفر اعمال انسان در آخرت آمده است؛ برخی تنبیه‌ها هم مربوط به مجازات دنیوی و درباره مسائلی است که در حوزه حدود قرار می‌گیرند. (قطب، ۱۳۷۵، ص ۲۰۶). صاحب‌نظران معاصر هم این موضوع را مورد بررسی قرار داده و برخی با آن مخالف و برخی آن را پذیرفته و به عنوان یکی از اصول یا روش‌های مهم در تعلیم و تربیت مطرح می‌کنند؛ اما در چگونگی انجام و شرایط آن اختلاف‌های در دیدگاه‌های آن‌ها با نظرات قابسی مشاهده می‌شود. محمد داغ معتقد است تنبیه علاوه بر هشدار جنبه تقویت روحی و بدنی دانش‌آموزان را داشته و فقط درباره افراد بالای ده سال انجام می‌شده است. (داغ، ۱۳۶۹،



ص ۳۸۸-۳۹۰) محمد منیر مرسی معتقد است تنبیه بدنی باید در مدرسه و دور از چشم سایر دانش‌آموزان انجام شود. (منیر مرسی، ۱۹۹۳، ص ۳۱۵)

### ۶- عدالت

قابسی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده جامعه دینی را عدالت دانسته که باید در امور مختلف به‌ویژه آموزش و پرورش به‌درستی انجام شود؛ از این رو بر آموزش بانوان تأکید کرده و یکی از مهم‌ترین صفات یک معلم خوب را عدالت وی دانسته است. برای این اصل دو روش پیشنهاد می‌شود:

الف: برابری میان دانش‌آموزان در تعلیم: معلم باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که بتواند با همه دانش‌آموزان حاضر در مکتب رفتاری یکسان داشته باشد. وی باید مطالب را به‌طور کامل و واضح شرح داده و اشکالات شاگردان را برطرف سازد؛ همچنین باید به هر دانش‌آموز وقت کافی اختصاص دهد، البته به‌گونه‌ای که باعث عقب ماندن دیگر شاگردان از تحصیل نشود. معلم نمی‌تواند میان شاگردان به‌سبب ثروت یا جایگاه اجتماعی خانواده آن‌ها تفاوتی قائل شود، مگر در زمان‌هایی که کلاس تعطیل باشد و اگر چنین قصدی دارد باید حتماً هنگام تنظیم قرارداد این مسئله را قید کرده و در صورت پذیرش آن توسط والدین دانش‌آموزان، این کار را انجام دهد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۵)

ب: عدالت در تنبیه: قابسی معتقد است که معلم می‌تواند برای اصلاح، آگاه‌سازی و جلوگیری از تکرار اشتباهات دانش‌آموزان از تنبیه استفاده کند؛ اما این تنبیه مراحل متفاوتی دارد که نهایتاً به کتک زدن دانش‌آموز می‌انجامد. معلم در به‌کارگیری این نوع تنبیه هم باید عدالت را رعایت کند و نباید از حد معین شده بگذرد و باید افراد را به میزان جرمشان تنبیه کند؛ مثلاً برای تأخیر در آمدن به مکتب و غیبت و آماده نکردن درس‌های قبل معلم می‌تواند از یک تا سه ضربه با ترکیه‌ای مرطوب به پاهای دانش‌آموز بزند و اگر از این تعداد تجاوز کند، باید پاسخ‌گو باشد و اگر آسیبی به کودک برساند، طبق موازین فقهی با او رفتار خواهد شد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۴۲)

## ۷- تکامل تدریجی و مرحله‌ای آموزش

در نظر قابسی سیر تکامل آموزش‌های فرد باید به صورت پیوسته و متوالی انجام گیرد تا وی بتواند به مراحل و اهداف نهایی آموزشی دست یابد. فرد می‌بایست تمامی مطالب هر مرحله را به خوبی و با موفقیت کامل فراگیرد تا شرایط رسیدن به مرحله بعد را کسب کند. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۲۶۹-۲۸۱) برای این اصل روش‌های زیر پیشنهاد شده است:

الف: تنظیم برنامه کلاسی: هر معلم برای افزایش کیفی کار خود و جذب دانش‌آموزان بیشتر می‌بایست یک برنامه روزانه مطابق با شرطها و مواد معین شده در متن قرارداد اجاره، تنظیم کند و در آن ساعات برگزاری کلاس و تعطیلی را به خوبی در نظر گیرد. قابسی برنامه‌ای بدین شرح پیشنهاد کرده است: از صبح تا حدود چاشت خواندن و قرائت قرآن، بعدازآن تا حدود ظهر تمرین نوشتن، ظهر دانش‌آموزان برای خوردن نهار و به جای آوردن نماز مکتب را ترک کرده و به منزل خود بازمی‌گشتند. در نوبت عصر مواد دیگر شامل حساب، صرف و نحو و باقی مواد مورد توافق در قرارداد اجاره آموزش داده می‌شد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۸) روزهای تعطیل عبارت بود از تمامی جمعه‌ها، عید فطر از یک تا سه روز و عید قربان سه تا پنج روز. در صورت تمایل خانواده‌ها عصر پنجشنبه هم به این روزها افزوده می‌شد. اگر دانش‌آموزی می‌توانست قرآن را ختم کند مراسمی برگزار و با موافقت والدین آن روز تعطیل می‌شد. تعطیلی مکتب بدون مشورت و اطلاع والدین دانش‌آموزان جایز نبود. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۹) به نظر می‌رسد این برنامه با برخی اصول برنامه‌ریزی تحصیلی نوین تطابق فراوان دارد و در آن زمانی برای استراحت و تجدید قوای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است. در این برنامه ابتدا مواد آموزشی ضروری تدریس می‌شود که دانش‌آموزان برای فراگیری آن‌ها انرژی بیشتری دارند و در نوبت بعد از ظهر برنامه تدریس مواد غیر ضروری پیشنهاد شده تا با برنامه کسانی که خواهان تدریس آن‌ها نبوده‌اند تداخل نداشته باشد. (حلاوی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۴)

علاوه بر این نوعی نگرش مثبت به آینده در این برنامه‌ریزی مشاهده می‌شود؛ قابسی به گونه‌ای برنامه درسی خود را طراحی کرده که گویی جامعه آینده را ترسیم می‌کند. بدین صورت که آیندگان جامعه یعنی کودکان هم‌اکنون در دسترس وی هستند و با اتخاذ این

برنامه تحصیلی به موفقیت خواهند رسید. در برنامه‌ریزی تحصیلی نوین به این نوع برنامه‌ریزی، آینده‌ساز گفته می‌شود. (فیوضات، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۸)

ب: حفظ، تکرار و امتحان: در اوایل ظهور اسلام تعداد افراد ماهر در خواندن و نوشتن بسیار اندک و تهیه ابزار و لوازم نوشتن هم برای همه میسر نبود؛ از این رو افراد برای فراگیری مطالب آن‌ها را حفظ می‌کردند. در قرن چهارم هجری هم این روش همچنان رایج بود و افراد زیادی حافظ قرآن و حدیث و در جامعه از احترام و جایگاه والایی برخوردار بودند. قابسی بخشی از برنامه پیشنهادی خود را به حفظ تدریجی قرآن اختصاص داده‌است که طبق آن فرد در پایان دوره آموزشی خود تقریباً تمام یا بیشتر قرآن را می‌توانست حفظ کند. به نظر او بهتر است معلم ابتدا سوره‌های کوچک و آسان را آموزش داده و به تدریج و با مهارت وی سوره‌های بزرگ‌تر را فرا دهد. اگر دانش‌آموز نتواند سوره‌ای را به خوبی و با رعایت مخارج حروف بخواند، معلم نمی‌تواند سوره بعد را به وی آموزش دهد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۷) به اعتقاد وی معلم باید از میزان محفوظات قرآنی دانش‌آموزان و فهم آن‌ها آگاهی کامل داشته باشد و برای این که آیات تدریس شده را فراموش نکنند هر روز باید آن‌ها را با شاگردانش مرور کند و در آخر هر هفته هم از آن‌ها امتحان بگیرد. (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۹) این روش آموزشی، در عصر حاضر هم مورد توجه کارشناسان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی تحصیلی قرار دارد و یکی از مهم‌ترین قسمت‌های برنامه، برگزاری امتحان در دوره‌های زمانی معین است که برای دانش‌آموزان و معلم فواید بسیار دارد؛ از طرفی معلم با استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان و کاستی‌ها و معایب روش‌های در حال اجرا آشنا می‌شود و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده از نتایج آن استفاده کند و از طرف دیگر دانش‌آموزان به حفظ و تکرار درس‌ها و رفع مشکلات خود تشویق و ترغیب می‌شوند. امتحان شیوه‌ها و انواع گوناگون دارد و برای تحقق اهداف مختلف برگزار می‌شود (بلینگتون، ۱۳۹۳، ص ۲۹؛ صناعی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۷)

ج: املا: با تکمیل خط عربی و با در دسترس قرار گرفتن ابزار نگارش، یک روش دیگر در آموزش رواج یافت که به آن املا گفته می‌شد. در این روش معلم یا یکی از شاگردان ممتاز متنی را برای سایر دانش‌آموزان می‌خواند و آن‌ها آن را با دقت می‌نوشتند و بعد با

متن اصلی استاد مقابله می‌کردند. به نظر قابسی این کار باعث مهارت و افزایش سرعت و بهبود کیفیت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان می‌شود به همین سبب نگارش کتاب برای دیگران و تصحیح نوشته‌های همکلاسی‌ها را جایز دانسته است (غنیمه، ۱۳۷۷، ص ۲۳۷؛ قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۲۱).

## ۸- تعامل

زمانی که فرد برای تحصیل در محیطی خارج از خانواده آمادگی سنی و ذهنی لازم را به دست آورد، به مکتب فرستاده می‌شود؛ از این زمان ارتباط‌هایی با محیط جدید برقرار می‌شود که به‌عنوان اصل تعامل قابل بررسی است. برای این اصل می‌توان سه روش زیر را پیشنهاد کرد:

الف: مشورت با خانواده دانش‌آموزان: معلم از زمان تنظیم قرارداد تا هنگام فسخ آن یا پایان تحصیل افراد در مکتب خود، اجیر پدر یا وصی دانش‌آموزان است؛ بنابراین باید به‌صورت مداوم با خانواده آن‌ها ارتباط داشته باشد و درباره امور مختلف آموزشی و پرورشی مانند زمان، مکان و شیوه تدریس و مواد آموزشی با آن‌ها مشورت کند. وی وظیفه دارد هنگام تنظیم قرارداد اجاره آگاهی‌های لازم را درباره مواد آموزشی، روش و شیوه تدریس مکتب خود در اختیار آن‌ها قرار دهد. همچنین در زمان برقراری کلاس‌های درس، اگر لازم باشد مکان مکتب را تغییر دهد باید با خانواده دانش‌آموزان مشورت کرده و از آن‌ها در این‌باره اجازه بگیرد. وی همچنین باید پس از آشنایی کامل و شناخت ویژگی‌های اخلاقی و توانایی‌های شاگردان، خانواده‌های آن‌ها را از امور انضباطی مانند نحوه حضور و غیاب و رفتار با سایر شاگردان و وضعیت تحصیلی مانند سوره‌ها و آیات حفظ‌شده، فرزندشان آگاه سازد و برای ارتقای آن با آن‌ها مشورت کند. اگر دانش‌آموزی در امر تحصیل خود یا رفتار با دیگران دچار ضعف باشد و برای اصلاح وی تنبیه بدنی لازم آید، معلم باید برای این کار با خانواده آن‌ها مشورت کرده و برای تجاوز از حدود معین‌شده از آن‌ها اجازه بگیرد. اگر برای معلم ضرورتی پیش آید که چاره‌ای جز مسافرت یا تعطیلی مکتب را نداشته باشد، می‌بایست با اطلاع و اجازه خانواده شاگردان فرد دیگری را که از نظر علمی هم‌سطح خودش

باشد انتخاب کرده و برگزاری کلاس را در دوره غیبت خود به او واگذار کند و هزینه وی را از مبلغ قرارداد بپردازد. (قابسی، ۱۹۶۸، صص ۳۱۴ و ۳۲۲)

ب: تعامل میان دانش‌آموزان: مکتب‌ها علاوه بر جایگاه تحصیل، محلی برای فراگیری اصول حضور در اجتماع و برقراری برخی ارتباط‌های دوستانه و اجتماعی هم به‌شمار می‌رفتند. در این مکان‌ها افرادی با سنین مختلف به تحصیل می‌پرداختند و برقراری ارتباط میان آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بود و معلم وظیفه نظارت و مراقبت از آن را بر عهده داشت. این ارتباط‌ها می‌بایست به‌صورت معین‌شده در شرع باشد و در آن هیچ‌گونه حقی ضایع نشود. به‌عنوان مثال دانش‌آموزان نمی‌توانستند خوراکی‌های خود را باهم عوض کنند؛ زیرا این احتمال وجود داشت که برخی یک خوراکی بهتر را با کالایی غیرمرغوب تعویض کنند. این نوع ارتباط از نظر شرعی ربا به‌شمار می‌رفت و معلم باید از وقوع آن به‌شدت جلوگیری می‌کرد (قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۶). معلم اجازه داشت یکی از شاگردان را با رعایت دو شرط ختم قرآن یا قرار داشتن در سطح بالای آموزشی یا بی‌نیازی از آن به‌عنوان مبصر انتخاب کند تا در اداره بهتر امور مکتب با وی همکاری کند. (قابسی، ۱۹۶۸، صص ۳۱۸ و ۳۲۱).

ج: ارتباط میان معلم و دانش‌آموزان: به نظر قابسی معلم باید فردی صبور، خویشتن‌دار و در موارد معین‌شده آگاه باشد تا بتواند با افرادی در سنین مختلف ارتباط برقرار کند. دانش‌آموزان به‌دلیل گذراندن بیشتر وقت خود در مکتب رفتار و سخنان وی را سرمشق قرار می‌دهند و بنابراین وی می‌بایست در مکتب و خارج از آن مراقب رفتار و گفتار خود باشد. (ن.ک. اصل اخلاق؛ قابسی، ۱۹۶۸، ص ۳۱۴) آنچه در این اصل مطرح شده در عصر حاضر از طریق آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های آموزشی و مصوبات انجمن اولیا و مربیان انجام می‌شود.

## نتیجه‌گیری:

پیروان اهل سنت افریقیه در قرن چهارم هجری از نظر سیاسی تابع حکومت‌های وقت بودند؛ اما از نظر آموزش و پرورش تا حدی مستقل و مطابق با اصول و مبانی مذهبی خود عمل می‌کردند. تعلیم و تربیت از نظر آن‌ها فقط جنبه دینی داشت و مسائل فلسفی و عقلی محض در آن راه نیافته بود.

به نظر می‌رسد فعالیت‌های فرهنگی فاطمیان و گروه‌های فکری و مذهبی دیگر باعث ایجاد اندیشه‌های دینی نوینی در میان مردم شده بود و ابوالحسن قابسی به‌عنوان یک فقیه و مربی سنی، آینده‌نگر و معتقد به وابستگی رشد و پیشرفت جامعه به امر آموزش و پرورش و برخورداری همه افراد از آن -نخست به‌عنوان انسان و سپس مسلمان- تلاش کرد با طرح‌ریزی برنامه تحصیلی کاملاً دینی آن تفکرات را بر مبنای مذهب مالکی تبیین کرده و برای تحقق دو هدف اصلی حفظ دین الهی (مذهب تسنن) از هرگونه دگرگونی و تشکیل جامعه دینی، در چند مرحله و به شکلی نظاممند گام‌هایی مؤثر بردارد. بیشتر نکاتی که وی در قالب اصول و روش‌های تعلیم و تربیت به عنوان اموری عقلی و اخلاقی مطرح ساخته امروزه به صورت وضع قوانین و مقررات اجتماعی و مدنی محقق شده است.

آرای قابسی دارای چند ویژگی مثبت و منفی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:  
الف: اصول و روش‌های تربیتی مورد نظر وی با آرای صاحب‌نظران معاصر در بسیاری موارد تطابق دارد و می‌توان از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های آموزشی به‌ویژه در جوامع اهل تسنن استفاده کرد.

ب: افکار تربیتی قابسی با شرایط دینی و اجتماع عصر او از واقع‌بینی و همخوانی فراوانی برخوردار است.

ج: رساله قابسی صرفاً با توجه به پرسش‌های عمومی و دینی مخاطب وی تدوین شده؛ بنابراین موضوعاتی را که مخاطب خاص دارند، مانند مطالب فلسفی یا صوفیانه یا مورد توجه رجال حکومتی و دولت‌مردان است، مانند امور و مسائل سیاسی و نظامی شامل نمی‌شود.

د: در برنامه‌ریزی وی زمانی برای بازی و تفریح دانش‌آموزان پیش‌بینی نشده است.

ه: دیدگاه‌های وی نسبت به غیرمسلمانان قدری متعصبانه است.

و: آنچه قابسی در کتاب خود ارائه کرده، فقط وضعیت آموزش و پرورش در منطقه افریقه را نشان می‌دهد که با این موضوع در دیگر نواحی غرب جهان اسلام تفاوت‌های آشکاری دارد.

رساله قابسی اثری مهم در سیر نگارش منابع تربیتی در جهان اسلام به‌شمار می‌رود و برای اطلاع از وضعیت آموزش و پرورش افریقه و آشنایی با آرای فقهی-تربیتی برخی فقیهان مالکی بسیار سودمند است. در این رساله پیشرفت‌هایی در سیر تکامل آثار تربیتی مشاهده می‌شود: تحلیل‌ها، نقدها و نمونه‌های عملی آشکار، بیان هدف نگارش رساله، ذکر پرسش‌های مورد بررسی و باب‌بندی مطالب مهم‌ترین آن‌ها هستند.

- ۱- الابراشی، محمد عطیه، **التربیه الاسلامیه وفلاسفتها**، قاهره، مکتب عیسی الباعی الحلبی و شرکاء، ۱۳۹۵-۱۹۷۵.
- ۲- ابن اثیر جزری، عز الدین علی، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹ م. ۱۳۹۹ ق.
- ۳- ابن احمد بن تمیم القيروانی، ابو العرب، محمد، **طبقات علما افريقيه**، تصحيح على الشابي و نعيم اليافي، تونس، دارالتونسيه للنشر، ۱۹۶۸.
- ۴- ابن بشکوال، ابی القاسم، خلف بن عبدالملک، **الصله فی تاریخ ائمه الاندلس و علمائهم و محدثيهم و فقهاءهم و ادبائهم**، قاهره، مکتب نشر الثقافه الاسلاميه، ۱۳۷۴.
- ۵- ابن حوقل، ابی القاسم، **صوره الأرض**، لیدن، بریل، ۱۹۳۸ م.
- ۶- ابن خلکان، شمس الدین ابو العباس، احمد، **وفیات الاعیان و انباء ابنا الزمان**، قاهره، ۱۹۷۰.
- ۷- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **العبر، کویت**، بی‌نا، ۱۹۶۱.
- ۸- ابن فرحون مالکی، ابراهیم بن علی، **الديباج المذهب فی معرفه اعيان علماء المذهب**، قاهره، دار التراث، ۱۳۹۴ ق.
- ۹- الاهوانی، احمد فؤاد، **التربیه فی اسلام و تعلیم فی رأی القابسی**، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۸.
- ۱۰- باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۱- البکری، ابو عبید، عبدالله بن عبد العزیز، **المغرب فی ذکر بلاد افريقيه والمغرب و هو جزء من المسالك والممالك**، بغداد، مکتب المثنی، بی‌تا.
- ۱۲- بلینگتون، جری، **مفاهیم کاربردی در تعلیم و تربیت**، ترجمه فرهاد ابيزاده و حسین ملکى، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۳.
- ۱۳- برو کلمان، کارل، **تاریخ الادب العربی**، ترجمه عبد الحلیم النجار، مصر، دار المعارف، بی‌تا.
- ۱۴- حجتی، سید محمدباقر، **سه گفتار پیرامون برخی از مسائل تربیتی اسلام**، تهران، مرکز چاپ و نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۶.
- ۱۵- حلاوی، محمود مصطفی، **«القابسی و فکره التربوی بین الاصله و التجديد»**، مجله التراث العربی، شماره ۳۱، شعبان ۱۴۰۸.
- ۱۶- خالد، احمد، **ابوالحسن علی القابسی و الرساله المفصله لحوال المتعلمين و احكام المعلمين و المتعلمين**، دراسه تحقيق و ترجمه فرنسيه، تونس، الشركه التونسيه لالنشر، ۱۹۸۶.
- ۱۷- خضیری، حسن احمد، **علاقات الفاطميين فی مصر به دول المغرب**، قاهره، مکتبه المدبولی، ۱۹۹۶.
- ۱۸- داغ، محمد و حفظ الرحمن رشد اویمین، **تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام**، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹.



- ۱۹- ذهبی، ابو عبدالله محمد، تذکره الحفاظ، بیروت، دار حیاء ۱۳۷۴.
- ۲۰- السبئی، عیاذ ابن موسی (قاضی عیاض)، ترتیب المدارک و تقریب المسالک لمعرفت اعلام مذهب مالک، تحقیق احمد بکیر محمود، بیروت، دار المكتبة الحیات و طرابلس دار الفکر، ۱۳۸۷ ق.
- ۲۱- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، طبقات الحفاظ، تحقیق محمدعلی عمر، ریاض، دار الثقافة الدینیة، ۱۹۹۶ م. ۱۴۱۷ ق.
- ۲۲- شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر ۱۳۸۴.
- ۲۳- شمس الدین، عبد الامیر، الفکر التربوی عند ابن سحنون و القابسی، بیروت، دار الاقراء، ۱۴۰۵.
- ۲۴- شهرستانی، ابو الفتح، محمد بن عبد الکریم، توضیح الملل، ترجمه و شرح الملل والنحل، تحریر نو
- ۲۵- مصطفی خالقداد هاشمی، با مقدمه و حواشی و تصحیح و تعلیقات سید محمدرضا جلالی نایینی، تهران، بی نا، ۱۳۶۱.
- ۲۶- صانعی، سید مهدی، پژوهشی درباره تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد، سناباد، ۱۳۷۸.
- ۲۷- الصفدی، خلیل بن ایبک، نکت الهمیان فی نکت العمیان، وقف علی طبعه احمد زکی بک، قاهره، المكتب الجمالی، ۱۳۲۹-۱۹۱۱.
- ۲۸- عبدالدایم، عبدالله، التریبۀ عبر التاريخ من العصور القديمة حتی اوائل القرن العشرين، بیروت، دار العلم للملایین، بی تا.
- ۲۹- عثمان الحجازی، عبد الرحمن، التریبۀ الاسلامیة فی القیروان، بیروت، المكتبة العریبة، ۱۹۹۷ م.
- ۳۰- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۳۱- فضلی، زینب و سید احمد رضا خضری، «بازخوانی سیاست مذهبی فاطمیان در مغرب»، مجله تاریخ و فرهنگ، شماره ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- ۳۲- فقیهی، علینقی، «آرای تربیتی قابسی متفکر تربیتی اسلام در قرن چهارم هجری»، مجله تعلیم و تربیت علوم تربیتی، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۷۶.
- ۳۳- فقیهی علینقی و دیگران، آرای تربیتی دانشمندان مسلمان و مبانی آن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۸.
- ۳۴- فیوضات، یحیی، مبانی برنامه ریزی آموزشی، بی جا، نشر ویرایش، ۱۳۸۵.
- ۳۵- قابسی، ابوالحسن علی بن محمد بن خلف، الرسالة المفصله لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین، تصحیح احمد فؤاد الاهوانی، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۸.
- ۳۶- قطب، سید محمد، روش تربیتی اسلام، برگرداننده محمد مهدی جعفری، شیراز، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شیراز، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- ۳۷- کسای، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۸- کوشافر، علی اصغر، «قابسی و طرح سوادآموزی عمومی»، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، بین رشته ای، شماره ۱۳۲، تابستان ۱۳۶۳.

- ۳۹- کیلانی، ماجد عرصان، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه نقد و اضافات از بهروز رفیعی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- ۴۰- محمد محمود و صوص، دیمه و المعتصم بالله سلیمان الجوارنه، «من ملامح الفكر التربوی عند الامام القاسمی»، دراسة تحليلیة نقدیة، دراسات العلوم التربیة، جامعة الاردن، المجلد ۴۱، ۲۰۱۴.
- ۴۱- مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث و درایة الحديث، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۴۲- المرزوقی، محمد، قابس جنت الدنيا، غابتها، خلیجها، مدنیتها، سکانها تاریخها و رجال، قاهره، مکتب الخانجی و بغداد مکتب المثنی، ۱۹۶۲.
- ۴۳- مرسی، محمد منیر، تاریخ التربية فی الشرق والغرب، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۳.
- ۴۴- معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- ۴۵- موسوی، سید جمال و نگار ذیلابی، «سیاست مذهبی فاطمیان در قبال اهل سنت»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۹.
- ۴۶- مونس، حسین، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی و سمت، ۱۳۸۴.